

# حکومت‌ها

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال چهارم، شماره ۱۹۵ | هفته‌دوم مرداد۹۸ | نشریه‌جامعه‌مؤمن‌وانقلابی | **KHAMENEI.IR**

خواهد آمد. در ک روشن از کبریات و صُغریات، گاهی انسان کبریات را درست می‌فهمد، در صُغریات اشتباه می‌کند این درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و موضوعات خارجی مطابق با مفاهیم کلی و عمومی یعنی کبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و الا ترس از مال‌مان، ترس از جان‌مان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا، اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان کُرا را به ما خواهند چسباند؛ این ترس‌ها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترس‌ها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمی‌تواند مسئله را درست درک کند و بدل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. ۸۸/۷/۲۴

بنابر این «هر مواجهه‌ی با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد. الاّ آنّ اولیّه؛ الاّ خوفِ غَلیهم و لا هَمّ یَحْزَنون» این آیه در سوره یونس است؛ نگاه کردم، در سوره یقره هم! شاید چهار پنج جلا خوف غَلیهم و لا هَمّ یَحْزَنون در مورد مؤمنین آمده. خب این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خداست، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. امام (رضوان الله علیه) واقعاً نمی‌ترسید، ما یک وقتی خدمت ایشان نشسته بودیم - همان اوّل انقلاب هسان وقت‌هایی که با آن بندها یک‌بود داشتیم سر قضایای نیروهای مسلح و این حرف‌ها- بنده به ایشان گفتم «فلت اینکه شما متلافلان جمله را بر داری فلان شخص گفتند این است که می‌ترسید...» می‌خواستم بگویم «هی ترسید که نیروهای مسلّح متلاّ بشان بیاید.» تا گفتم «هی ترسید!» ایشان همین‌جور با قافله گفتند «من از هیچ چیزی نمی‌ترسم» ایشان منتظر نشدند که متعلّق ترس را بگویم؛ تا گفتم «شما می‌ترسید.» ایشان گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم.» واقعاً هم همین‌جور بود؛ ایشان از هیچ چیز نمی‌ترسید. ۹۷/۱۲/۲۳

یک سیاستمدار برای آنکه بهترین تصمیم را بگیرد، در مرتبه‌ی اول باید

بداند که «هر کجای تاریخ ایستاده است؟» برای

همین «شناخت واقعیت‌های میدان» مهم است.

«یعنی ما بدانیم که الان در کجا قرار داریم، ما کجا هستیم، دشمن کجا هست، جایگاه ما چیست...»

فرض کنید اگر چنانچه ما ندانیم که موقعیت ما در منطقه الان به نحوی است که دشمن از ما حساب می‌برد، یک جور عمل می‌کنیم، اگر دستنیم که موقعیت ما به نحوی است که دشمن از ما حساب می‌برد، جور دیگری عمل می‌کنیم. ۹۷/۱۲/۲۳

در مرتبه‌ی دوم «هر کشور، هر جامعه‌ای حوادثی دارد؛ این حوادث بعضاً حوادث خوب است، بعضاً حوادث تلخ است. نوع مواجهه‌ی با این حوادث خیلی مهم است که چه جور با این حوادث مواجه بشویم.» ۹۷/۱۲/۲۳ متلاً «یک وقت اسلار واد میدان می‌شود اقامی می‌ترسد. این یک جور عکس العمل و واکنش و حضور در مقابل دشمن است، یک وقت با دلیری وارد می‌شود در روایت دارد «خُصّ الغُفُراتُ لِلبَقیّ» وارد میدان می‌شود با دلیری، با شجاعت، این هم یک جور



**این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات تارالله**

|                                                                                |                                                                                                                                               |                                                                                |                                                                                                        |                                                                                                        |                                                                                                        |
|--------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div><div><span><span>✉</span></span></div><div>پست‌باکس: ۱۰۰۰۱۰۲۸</div></div> | <div><div><span><span>📠</span></span></div><div>ایمیل: <a href="mailto:etlaa.com/khatthehezbollah">etlaa.com/khatthehezbollah</a></div></div> | <div><div><span><span>📞</span></span></div><div>تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۳۸۳</div></div> | <div><div><span><span>📠</span></span></div><div>آدرس: تهران، خیابان آزادی، ۱۳۶۱، پلاک ۱۰۲۸</div></div> | <div><div><span><span>📠</span></span></div><div>آدرس: تهران، خیابان آزادی، ۱۳۶۱، پلاک ۱۰۲۸</div></div> | <div><div><span><span>📠</span></span></div><div>آدرس: تهران، خیابان آزادی، ۱۳۶۱، پلاک ۱۰۲۸</div></div> |
|--------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|

کلام **حزب** امام

**فریاد برانث ما نشانه چیست ؟**

فریاد برانث ما فریاد مردم مسلمان آفریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانهی ستم سپهر و زان بی‌فرهنگ ژادپرست را

می‌خورند. فریاد برات ما، فریاد برانث مردم لبنان و فلسطین و همه‌ی ملت‌ها و کشورهای دیگری است که ابر قدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه‌ی آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمین‌های آنان جنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند... فریاد برانث ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندان ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است. ● ۶ مرداد ۱۳۶۴

**نه نکته درباره نهضت مشروطه از نگاه رهبر انقلاب**

## شگرد انگلیسی‌ها برای شکست نهضت مشروطه

«من به جوانان عرض می‌کنم، با تاریخ گذشته‌ی نزدیک کشور تا آشنا شوید؛ چون یکی از راه‌های فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به‌وفور صورت میگیرد. ۸۰/۸/۲۰ آنچه خوانند بدت‌ها نمونه‌ای از توصیه‌ی مکرر رهبر انقلاب به جوانان مبنی بر مطالعه‌ی تاریخ و تقویت حافظه‌ی تاریخی جامعه است. رهبر انقلاب با این توصیه‌ی کلی اکتفا نکر ده‌اند و به مصداقی از موضوعات تاریخی و سرفصل‌هایی که می‌توانند در برنامه‌ی مطالعات جوانان و نوجوانان قرار گیرند نیز اشاراتی داشته‌اند. مطالعه‌ی تاریخ انقلاب‌های معاصر، تاریخ مشروطه، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تاریخ دفاع مقدس و تاریخ انقلاب اسلامی از این جمله است. نشریه‌ی خط حزب‌الله به مناسبت سالگرد اضافی فرمان مشروطه، در گزیده‌یانات پیش‌رو، مروری کرده‌است بر دیدگاه‌های کلیدی رهبر انقلاب درباره‌ی نهضت مشروطه.

**مشروطه چگونه شکل گرفت**

دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم و دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشرو آنهاهم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی، و در تهران سه نفر عالم بزرگ -مرحوم شیخ فضل الله‌نوری، مرحوم سید عبدالله بهبهانی، مرحوم سید محمد طباطبایی- پیشواان مشروطه بودند... اینها می‌خواستند که در ایران عدالت برپا شود؛ یعنی استبداد از بین برود. وقتی که جوش و خروش مردم دیده شد، دولت انگلستان که آن وقت در ایران نفوذ بسیار زیادی داشت و از عواملی در میان روشنفکران بر خور بود، اینها را دید و نسخه خودش را به اینها القاء کرد. البته در بین همان دلسوزان هم عده‌ای از روشنفکران بودند. حق اینها نباید ضایع شود؛ لیکن یک عده روشنفکر هم بودند که مز دور و خود فروخته و از عوامل انگلیس محسوب می‌شدند. این روشنفکران به جای این که دنبال عدالت باشند و یک ترک برپا یابن و یک فرمول ایرانی برای ایجاد عدالت به وجود آورند، مشروطیت را سر کار آوردند. ۱۳۷۹/۷/۱۴

**نهضتی که ضد استعماری و ضد استبدادی بود**

وقتی به علما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سلیقه فعالیت علما خیلی بیش از دوری مشروطیت است. شاخصه‌ی آن فعالیت‌های قبلی، «ضد

بیگانه بودن» یسود... اصلاً وجه ضد استبدادی در

فعالیت‌های علما، یک وجه منطوقی در جنبه‌ی ضد

بیگانه و ضد استعماری بود. نتیجه این است که اگر

کسی وجه ضد سلطه‌ای بیگانه را در حرکت

مشروطه ندیده بگیرد، مثل این است که ماهیت و

هویت این حرکت را ندیده گرفته‌است. ۸۵/۲/۹

**عدالتخواهی شعار اصلی علمای مشروطه**

آدر نهضت مشروطه! شعار علما،

«عدالت‌خواهی» بود. به طور مشخص

آنچه که می‌خواستند، «عدالت‌خانه» بود. این،

یک توقع اخلاقی نبود؛ چون خواست عدالت چیزی

نبود که این همه سر و صدا بخواهد... اما این جنجالی که به وجود

آمد و آن تحصن‌ها، آن ایستادگی‌ها و همه مقابله‌هایی که با دستگاه

استبداد شد و فداکاری‌هایی که انجام گرفت، فقط یک درخواست اخلاقی

محض نبود، بلکه آنها چیز دیگری را که فراتر از یک درخواست اخلاقی بود، می‌خواستند. ۸۵/۲/۹

**هدف مشروطه خواهان، جلوگیری از ظلم شاه بود**

«علماء و متدینین می‌خواستند یک دستگاه قانونی‌ای وجود داشته باشد که بتواند پادشاه و

همه‌ی سلسله مراتب حکومتی را تحت کنترل و نظارت خودش قرار بدهد... حالا این میتوانست تفسیر

شود به مجلس شورای ملی یا مجلس شورای اسلامی؛ میتوانست تفسیر شود به یک چیز دیگر. آنچه آنها می‌خواستند یک نهاد

عملی و یک واقعیت قانونی بود که قدرت این را داشته باشد که جلوی شاه را بگیرد؛ در صورتی که شاه اسطفا و سرسراز داشت که اگر

می‌خواستند جلوی او را بگیرند، طبعاً بایستی این دستگاه قدرتی فراتر از سرباز و سرباز‌خانه داشته باشد. ۸۵/۲/۲۹

حزب الله **حزب** این است

**تفاوت بین انقلابی مثبت با انقلابی منفی**

ما از اوّل انقلاب دو گونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیوس هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، انجایی که در درس داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابی وجهت طلب و راحت‌خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارز نام را قبیل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر می‌خواهم احترام فراوان، بنابر این، چنین کسانی به میدان خطر و درس و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله‌مند می‌شوند، وارد نمی‌شدند. یک عده‌ها انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می‌کردند وجودشان می‌تواند کمکی بکنند، با همه‌ی وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یک‌طور؛ اگر دانشگاه بود، یک‌طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می‌شدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر یک‌وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل اداهایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی‌بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می‌گیرد؛ کانه در هیچ کاری مسئولیت ندارد؛ از انقلابی مثبت حتی اگر هیچ کار هم باشد، خودش را مسئول ترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود. ● ۷۹/۱۲/۹

**مردم و علما عدالت اسلامی، می‌خواستند**

معیار این عدالت، قوانین اسلامی بود؛

یعنی «عدالت اسلامی» می‌خواستند؛ در

این هیچ تردیدی نیست و این را بارها و بارها

گفته بودند. آنچه که مورد درخواست مردم بود

این بود، که متشخی هم مواد اسلامی و احکام

اسلامی و قوانین اسلامی است. انگلیس‌ها ...

آمدند بر این موج فرصت‌طلبانه مسلط شدند و

این را گرفتند و از شاه عبدالعظیم هدایتش

کردند به سفارت انگلیس، بعد هم گفتند

مشروطه! مشروطه هم از نظر الهام‌دهندگان

معلوم بود که معنایش چیست! ۸۵/۲/۲۹

**خوش‌باوری، کار دست علما داد!**

انسان وقتی به اظهاراتی که مرحوم آسید عبدالله بهبهانی و مرحوم سید محمد طباطبایی در مواجهه و مقابله با حرف‌های شیخ فضل‌الله و جناح ایشان داشته‌اند، نگاه می‌کند، این مسئله را در می‌یابد که عمده‌ی حرف‌ها به همین است که ... حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها و به‌وسیله‌ی عمال حکومت گفته می‌شد و وعده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کردند. این طور می‌گفتند که: شما دارید عجله می‌کنید؛ سوه‌ظن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند؛ اینها هم هدف‌شان دین است! این مسائل در مکاتبات، نامه‌های صدراعظم و... به مرحوم آخوند منعکس شده است. انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مرحوم آشیخ فضل‌الله باقی ماند؛ اینها حساس ماندند؛ اصرار کردند و در متمم، آن مسئله‌ی پنج مجتهد جامع‌الشرایط را گنجانند و مقابله کردند. یک جمع دیگری از همین جبهه، این- حساسیت را از دست دادند و دچار خوش‌باوری و خسن ظن و شاید هم نوعی تغافل شدند. ۸۵/۲/۲۹

**نهضت از مسیر خودش منحرف شد**

نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این نهضت عظیم مردم که پشت سر علما و به نام دین و با شعار دین خواهی بود، بعد از مدّت بسیار کوتاهی منتهی به این شد که شیخ فضل‌الله‌نوری را در تهران به دار کشیدند. اندک زمانی بعد، سید عبدالله بهبهانی را در خا‌ن‌شا ترور کردند. بعد از آن هم سید محمد طباطبایی در انزرو و تنهایی از دنیا رفت. آن وقت مشروطه را هم به همان شکلی که خودش می‌خواستند برگرداند؛ متأسفانه مشروطه‌ای که بالاخره منتهی به حکومت زخانی شد! ۱۳۷۹/۷/۱۴

**غفلتی که امام خمینی (ره) دچار آن شد**

من به انقلاب خودمان که نگاه می‌کنم، می‌بینم هنر بزرگ امام این بود که دچار این غفلت نشد؛ اساس کار امام این است. امام اشتباه نکرد که حرفی را که گفته بود و هدفی را که اتخاذ کرده بود، در سایه‌ی تنبیه و ظاهر سازی‌های شعارهای دیگران گم کند و فراموش کند. این، اساس کار موفقیت امام بود که مستقیم به طرف هدف پیش رفت؛ صریح و عریان را را جلوی چشمش قرار داد و به طرف آن حرکت کرد و بر تری او حساطی و روحانی و مشروطه نکردند و برایشان غفلت ایجاد شد؛ فلذا اختلاف شد. اختلاف که به وجود آمد، آنها تسلط پیدا کردند. ۸۵/۲/۲۹

انسان **حزب** ۲۵۰ ساله

**امام جواد، مبتکر بحث‌های آزاد اجتماعی**

مبتکر بحث آزاد اجتماعی امام جواد (ره) است؛ البته قبل از امام جواد هم در زمان ائمه بحث زیاد می‌شد، اما این بحث‌ها را بنفشینند جمعا صحبت کنند. امام جواد اولین بار این کار را کرد. ۶۰/۲/۲۲ در محضر مأمون عباسی با علما و داعیه‌مدان و مدعیان و موجبان درباره‌ی ائمه ائمه غیبه‌ای که در دلتان نه کرده‌اند، به مردم مؤمن این خط‌برای است. لیخند و شادی مؤمن در چهره‌ی اوست. اصلاً چهره‌ها باید یاد شاد باشد. اگر با چهره‌ی خودتان می‌توانید به جامعه شادی بدهید، باید این کار را کنید. ۷۱/۱۰/۱۰

خاطرات **حزب** رهبری

**و سایلی که رهبر انقلاب در زندان همراه خود داشت**

همراه من یک قرآن، تفسیح، دفترچه‌ی تلفن و دفتر سفینه‌ی غزل بود، به اضافه‌ی کتاب تذکرة المتقین که حاوی مجموعه‌ی رسائل و اذکار عده‌ای از علما و فقهای بزرگ است، مرا به سلولی بردند. دقایقی پس از آنکه مرا در سلول انداختند، در سلول باز شد و یک نظامی وارد شد. بعداً فهمیدم که نامش «استوار زمانی» است. استوار زمانی وارد شد و گفت: با خودت چه داری؟ گفتم: می‌توانی بگیری. او شروع کرد به بازرسی و گشتن. قرآن را بیرون آورد، به آن نگاه انداخت و گفت: این قرآن است؛ اشکالی ندارد، می‌توانی آن را نگه داری، ظاهر! او وقتی مبلغ پول ناچیز را در جیب من دید، متأثر شد و دلش سوخت. بعد راجع به کتاب تذکرة المتقین پرسید و گفت: این کتاب دعا است؟ می‌خواست از من پاسخ مثبت بشود تا کتاب را هم پیش من بگذارد. اما به او گفتم: این کتابی در زمینه‌ی عرفان است... سخمن را ترک کرد و گفت: بله، کتاب دعا است. کتاب دعا است! اشکالی ندارد، می‌تواند پیش شما بماند. این برخورد به روشنی نشان می‌داد که این مرد قصد کمک به من دارد. او به جز دفترچه‌ی تلفن که در جیبم بود، چیز دیگری از من نگرفت. رفت و من تنها ماندم. ●

منبع: خون دلی که اعل شد

**اختلاف، موجب کامیابی انگلیس شد!**

نکته‌ای که مورد توجهم هست، این است که چه شد که غربی‌ها، مشخصاً انگلیسی‌ها، در این مسئله کامیاب شدند؛ از چه شگردی استفاده کردند که کامیاب شدند. در حالی که مردم که جمعیت اصلی هستند، می‌توانستند در اختیار علما باقی بمانند و اجازه داده شود که شیخ فضل‌الله جلو چشم همین مردم به دار کشیده شود؛ قاعده‌ی قضیه این بود، به نظر من مشکل کار از این‌جا پیش آمد که آنها نتوانستند یک عده‌ای از اعضای جبهه‌ی عدالت خواهی - یعنی همان اعضای دینی و عمدتاً علما - را فریب بدهند و حقیقت را برای اینها پویشیده نگه دارند و اختلاف ایجاد کنند. ۸۵/۲/۲۹



نماز جماعت به امامت رهبر انقلاب در جریان سفر به استان همدان، تیر ۸۲

**در میان شهرهای عالم، شهری مانند همدان کم است**

من برای شهر همدان و برای این مجموعه استثنای از دو جهت احترام و ارزش قائلم. اول، از جنبه‌ی ارزش تاریخی و گذشته‌ی بسیار پرشکوه مدنی و علمی. در میان همه‌ی شهرهای عالم به ندرت می‌توان شهری را پیدا کرد که با سابقه‌ی شهر همدان بر سر پا باشد. جهت دوم، نقش آفرینی مردم همدان و شهر همدان در تاریخ معاصر ماست؛ چه در دوران نزدیک به انقلاب، و چه در دوران انقلاب. ● ۸۲/۴/۱۵

شرح **حزب** حدیث

**حج ما به آرامش و سکونت دل به انسان است**

قال الباقِر (ع) «...وَالسَّيِّئَاتُ الْخَيْرُ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ» (۱). هم روزه و حج هم حج مایه‌ی سکونت دل هستند. سکونت دل یکی از آن نعمت‌های بزرگ خدا است: «اتَّزَلَّ السَّكِينَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»، «ثُمَّ انْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَي رَسُولِهِ وَ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ»، سکینه، یعنی آرامش دل. آرامش دل به معنای این خیالی نیست، به معنای بی‌غدغهای نیست؛ به معنای این است که دل تلاطم ندارد... از دو جهت، حج هم همین جور است؛ هم از جهت ذکر و توجهی که در حج وجود دارد - خب، توجهات و اذکار در حج خیلی زیاد است؛ دیگر، صلات است، طواف است، سعی بین صفا و مروه است، تذکرة الله است و عرفات است، از اوّل تا آخر آن ذکر و توجه است؛ هم از این جهت ذکر الهی است که: اَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطَفُّنُ الْقُلُوبِ - هم شاید از این جهت که مسلمان، مؤمن به خاطر حوادث دنیا اینگرانی‌هایی دارد. همینطور که دشمنی‌های جبهه‌ی خبیث دشمن در مقابل ما ایستاده و یک نگرانی‌های، غدغاه‌های، دلوایی‌های به وجود می‌آید؛ وقتی انسان به حج می‌رود، آنجا می‌بیند این جمعیت مسلمانان را که از همه‌ی اقطار عالم آمدند، احساس می‌کند که تنها نیست؛ این احساس عدم تنهایی، یک آرامشی به قلب انسان می‌دهد... پس حج از این جهت هم که نگاه به مجموعه‌ی مسلمان‌ها است، سیاه و سفید و زرد و انواع و اقسام ملیّت‌ها و اقوام و جغرافیای مختلف آنجا جمع می‌شوند دور خانه‌ی خدا طواف می‌کنند، همه یک عمل را انجام می‌دهند، این یک آرامشی به انسان می‌بخشد. ● ۹۷/۱۱/۱۴

(۱) امامی باطوسی، مجلس بازمزد، ص ۲۹۶

پرسش **حزب** پاسخ

**در آغاز انقلاب اسلامی ادعاهایی اعلام می‌شد، در حال حاضر چقدر به آن ادعاها رسیده‌ایم؟**

این سؤال مهمی است. این انقلاب بیش از ادعا، آرمان‌هایی داشت. انقلاب نیا آمده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمان‌هایی انقلاب کردند. این آرمان‌ها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقبماندگی علمی و استبداد و فقری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود. می‌رسید ما چقدر به این اهداف رسیده‌ایم؛ من عرض می‌کنم که تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید کرد و آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش ساخته - مثل خانه‌های پیش ساخته - نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. در انشای این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید، این مفاهیمی هم که من گفتم - عدالت اجتماعی، آزادی، آگاهی، معنویت؛ که جزو مبانی این نظامند - مفاهیم ایستا و متجسّری نیستند. اینها چیزهایی هستند که بر حسب پیشرفت و اقتضات زمان، ممکن است مصادیقشان تغییر پیدا کنند... بنابر این ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد قاعم، پاسخ من این است: ایّد! ۷۹/۱۲/۲۲

خانواده **حزب** ایرانی

به مناسبت سال روز ادواج حضرت امیر المومنین علی (ره) و حضرت زهرا (ره)

**ازدواج را آسان بگیرد**

مسأله‌ی ازدواج که شما گفتید، دولت یا همین «شورای عالی جوانان» می‌تواند فکری‌های درباره‌ی آن بکنند؛ لیکن مسأله‌ی ازدواج، یک مسأله‌ی کاملاً فردی و شخصی است. خانواده‌ها باید فکر کنند؛ دستگاه‌های دولتی و عام، باید توصیه‌های عمومی بکنند. من خودم توصیه‌ام این است که ازدواج را آسان بگیرند؛ مهرها زیاد نشود؛ چیزهای سنگین نشود؛ در مراسم مهمانی‌ها، خیلی ریخت‌پاش نشود و اسراف‌آیین نباشد. باید روی این کار گذاشت. چقدر خوب است که از لحاظ فرهنگی و هنری تبلیغ شود، تا مردم اینها را فرا گیرند. اگر این را فرا گرفتند، من فکر می‌کنم که ازدواج آسان خواهد شد. ● ۷۷/۲/۷